



قسمت سائزدهم

چگونه دین از سیاست جدا شد؟

حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری

در مقاله گذشته در پاسخ به این سؤال بخشی از احادیث معمولی که ریشه این نوع تفکر در تاریخ اسلام است را ذکر کردیم و اینک ادامه بحث. در باب هفدهم از کتاب امارت از صحیح مسلم، عوف بن مالک روایت کرده که پیامبر خدا فرمود:

زمامداران خوب شما آنهاند که شما آنها را دوست دارید و آنها به شما علاقمند هستند، آنها که بر شما درود می گویند و شما بر آنها درود می فرستید و زمامداران بد شما آنهاند که مورد بغض و نفرت شما هستند و شما نیز مورد بغض و نفرت آنها هستید، شما به آنها نفرین می کنید و آنها به شما!

در اینجا یکی از حصار از پیغمبر پرسید: آیا اجازه می دهید که با این گونه زمامداران فاسد که تا این حد مورد خشم مردم مسلمان هستند با شمشیر بجنگیم؟

پیغمبر فرمود:

لا، ما أقاموا فيكم الصلاة وإذا رأيتهم من ولا تكلم سبياً تكروهه فافكروها عمله، ولا تنزعوا بدأ من طاعة!!»

نه! تا وقتی که نماز می خوانند! هنگامی که از زمامداران خود چیزی دیدید که آن را ناپسند می شمارید، کار ناپسندش را معغوض دارید ولی از اطاعتش دست بردارید!

این حدیث که با توجه به واقعتهای موجود در جهان اسلام با مهارت خاصی در زمان حاکمیت امامان جائر جعل شده، ابتدا مبارزه مسلحانه با زمامداران فاسد را قاطعانه رد می کند. و بعد تأکید می نماید که تنها خواندن نماز برای زمامداری جامعه اسلامی کافی است سپس یک قانون کلی در زمینه برخورد مردم با زمامداران ظالم تاسیس می نماید که مردم مسلمان در هیچ شرایطی نمی توانند با زمامداران فاسد حاکم برجامعه خود مخالفت کنند و تنها حق دارند از کار ناپسند آنها بدشان بیایند! و بدین ترتیب حق دخالت در امور سیاسی از مردم سلب می شود و سیاست از دین جدا.

عایشه از پیغمبر روایت کرده که فرمود:

«لا تكفروا أحداً من أهل القبلة بدنت وإن عملوا الكيثر وصلوا مع كلِّ إمامٍ وجاهدوا مع كلِّ أميرٍ».

هیچ یگانه از اهل قبله را به دلیل گناهی که مرتکب می شود نکفیر نکنید هر چند مرتکب گناهان کبیره شوند. و با هر امامی بخوانید و همراه فرماندهی بجنگید!

به عبارت دیگر طبق این حدیث هیچ گناهی با اسلام منافات ندارد، و انسان می تواند مسلمان باشد و مرتکب انواع فسادها و آلودگیها شود، مسلمین موظفند پشت سر هر امامی نماز بخوانند هر چند بزرگترین جنایتکاران روزگار باشد و تحت فرمان هر زمامداری با دشمن او بجنگند هر چند عملاً مخالف اسلام باشد!!

عبدالله بن عمر از پیامبر نقل کرده است که فرمود:

«سبلیکم امراء یفسدون، وما یصلح الله بهم أكثر، فمن عمل منهم بطاعة الله فله الأجر وعليکم الشکر ومن عمل منهم بمعصية الله فعليه الوزر وعليکم الصبر».

بزرودی زمامداران مفسدی بر شما حکومت خواهند کرد، ولی اصلاحاتی که عداوتند به دست آنها انجام خواهد داد بیش از

فسادهای آنها است. بنابراین هر یک از آنها که به فرمان خداوند عمل کند برای اوست پاداش و بر شما است سپاسگزاری و هر کس از آنان که مرتکب معصیت خدا شود بر اوست بار گناه خویش و بر شما است صبر و شکیبایی!

این روایت با دو مغالطه از مردم می خواهد که با زمامداران فاسد و مفسد جامعه اسلامی مخالفت نکنند: یکی اینکه خدعات آنها بیش از خرابکاریهای آنان است و دلیل دوم این که آنها کیفر گناهان خود را خواهند دید و گناهان آنان ربطی به مردم ندارد و بالأخره دین از سیاست جدا است و مردم مسلمان در برابر مظالم حکام فاسد و جائز خود وظیفه ای جز صبر و سکوت ندارند!

همه این احادیث مجعول و مشابه^۱ آنها که اگر جمع آوری شود کتاب مفصلی خواهد شد گویا مقدمه برای جعل این دو حدیث بود که به دو صحابی بزرگ رسول خدا صلی الله علیه وآله نسبت دادند:

۱- ابن مسعود گوید از پیغمبر شنیدم که می فرمود:

«من فارق الجماعة فاقطوه»^۲.

هر کس از جمع مسلمین جدا شود او را بکشید.

۲- ابوذر گوید از پیغمبر شنیدم که فرمود:

«من قاتل علی الخلافة فاقطوه کائناتاً من کان»^۳.

هر کس با خلیفه بر سر خلافت بجنگد او را بکشید هر که می خواهد باشد!!

و بدین ترتیب کسانی که به نصایح گذشته گوش فرادهند و به مخالفت با زمامداران جائز برخیزند کیفری جز اعدام نخواهند داشت! این احادیث که به عنوان سخن پیامبر اسلام دهان به دهان و سینه به سینه می گشت بهترین وسیله تبلیغ و تداوم حکومت امامان جائز بود و توده مردم که آگاهی دینی و سیاسی لازم را نداشتند و نمی توانستند باور کنند صحابی پیامبر به او دروغ بسته یا آن کس که این احادیث را به صحابی پیغمبر نسبت داده، دروغ گفته است در نتیجه این تبلیغات مسموم به خود جرأت مخالفت با رهبران فاسد جامعه اسلامی را نمی دادند.

نقش احادیث مجعول در تحکیم حکومتهای فاسد

امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن تحلیل جامعی در زمینه ریشه یابی احادیث مجعول و اخبار متناقضی که از پیامبر اسلام در رابطه با مسایل اسلامی و احکام الهی نقل شده است، با صراحت تمام نقش این احادیث در تحکیم و تداوم حکومت زمامداران فاسدی که بر جوامع اسلامی حکومت می کنند را بیان فرموده است:

شخصی از آن حضرت پرسید: احادیث مجعول چگونه در تاریخ اسلام پدید آمد و رواج یافت. و علت اختلاف و تناقض اخبار در زمینه مسایل اسلامی چیست؟ امام فرمود:

احادیثی که اکنون در دسترس مردم است، آمیخته است از حق و باطل، صدق و کذب، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه، محفوظ و موهوم^۴.

در دوران پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به اندازه ای دروغ به او بستند که سرانجام احساس خطر کرد و در یک سخنرانی عمومی فرمود: «هر کس، دانسته و از روی عمد بر من دروغ بیند باید نشیمنگاه خود را در آتش بداند».

همانا راوی حدیث یکی از این چهار دسته است و پنجمی ندارد:

۱- منافق و سالوسی که تظاهر به ایمان می کند و خود را مسلمان وانمود می نماید ولی از گناه بیم ندارد و بی باک است، دانسته و از روی عمد بر رسول خدا دروغ می بندد. اگر مردم بدانند او منافق و دروغگو است سخنش را نمی پذیرند و حدیثش را باور نمی کنند، اما چون معتقدند او یار پیامبر خدا بوده، او را دیده و این احادیث را از او شنیده و فرا گرفته، خیال می کنند راست می گوید و در نتیجه سخنش را می پذیرند. البته نباید این گونه افراد که بدون تحقیق سخن اسلام نمایان را در زمینه احادیث اسلامی پذیرفته اند را بی تفصیل بدانیم. چون خداوند همه را از افراد منافق و سالوس آگاه فرموده و آن گونه که شاید و باید و بزنگهای آنان را بیان نموده است^۵.

باری، این زیاکاران متظاهر به اسلام پس از مرگ آن حضرت همچنان باقی ماندند و به پیشوایان گمراهی و آنان که با نیرنگ و فریب مردم را گرد خود آورده و به سوی دوزخ فرا می خوانند، تقرب جستند، و امامان ضلالت در نتیجه این خوش خدمتی، پست های حساس حکومت را در اختیار منافقین متظاهر به اسلام گذاشتند، و آنها را فرمانروایان جان و مال مسلمانان قرار دادند و به وسیله آنها دنیا را جایبند و بردند و خوردند. مردم هم که همواره پیرو فرمانروایان و دنیا داران هستند مگر برخی از آنان که خدایشان از کژی و لغزش نگه می دارد.

۲- کسانی که چیزهایی از رسول خدا شنیده اند اما درست آن را به ذهن نسپردند، لذا در آن اشتباه کرده اند و به عمد دروغ نگفته اند، پس آنچه در دست دارند در اختیار این و آن

می گذارند و بدان عمل می کنند و می گویند آن را از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیده ایم.

حال چنانچه مسلمانان بدانند که چنین کسانی دچار اشتباه شده اند آن را نمی پذیرند و اگر خودشان هم پی به اشتباه خود ببرند قطعاً آن حدیث را رد می کنند!

۳- راویانی که از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیده اند که به چیزی امر فرموده، ولی بعد که همان، مورد نهی آن حضرت قرار گرفته اطلاعی ندارند یا شنیده اند از چیزی نهی نموده بعد که به آن امر فرموده، آگاه نیستند، یعنی حدیث منسوخ را به خاطر سپرده اند ولی از حدیث ناسخ خیری ندارند. و اگر بدانند حدیثی را که حفظ کرده اند نسخ شده است خط بطلان بر آن می کشند. و مسلمانان هم اگر بدانند آنچه از او شنیده اند منسوخ است آن را رد می کنند.

۴- افرادی که بر خدا و رسول او دروغ بسته و از ترس خدا و به احترام رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم دروغ را دشمن دارند، در حفظ حدیث هم اشتباه نکرده بلکه آنچه شنیده درست به خاطر سپرده و همان چه شنیده روایت می کنند، به آن چیزی نمی افزایند و از آن چیزی نمی کاهند، ناسخ را به خاطر سپرده و بدان عمل می کنند و منسوخ را حفظ کرده و از آن اجتناب می نمایند، احادیث خاص و عام، محکم و متشابه را می شناسند و هر یک را در جایگاه خود قرار می دهند.

گاه رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم سخنی بر زبان می رانند که قابل حمل به دو معنا بود (می شد آن را حمل بر معنای خاصی نمود و امکان داشت که مقصود عام باشد) کسی که منظور خداوند سبحان و مقصود رسول او را نمی دانست آن را می شنید و بدون این که معنای آن را بداند و مقصود را درک کند و هدفی را که این کلام تعقیب می نماید تشخیص دهد، سخن پیامبر را حمل بر معنایی می نماید و به توجیه آن می پردازد...

به طور خلاصه چند نکته در کلام امام علیه السلام قابل توجه است:

۱- همه احادیثی که بدعت در دین را پایه گذاری می کنند و یا موجب احساس تناقض در احکام الهی می گردند، مجعول نیستند بلکه به یکی از این سه ریشه منتهی می گردند:

الف: جعل حدیث.

ب: درست حفظ نکردن حدیث.

ج: درست نفهمیدن حدیث.

۲- احادیث مجعول در دوران حیات پیامبر اسلام نیز وجود داشت.
۳- جعل حدیث ریشه فرهنگی سیاسی دارد و اهداف سیاسی را تعقیب می کند.

۴- همه احادیثی که در ابواب امامت و امارت و خلافت موجب تقویت و تداوم حکومت زمامداران جائر است، مجعول است.

نکته قابل توجه این که بعد از وفات راویان منافقی که رسول خدا را درک کرده بودند، از آنجا که احادیث موجود، نیاز زمامداران جائر را تأمین نمی کرد، دو نوع دیگر بر احادیث مجعول افزوده شد:

۱- احادیث دروغی که به یاران مؤمن و مجاهد رسول الله^ص و در رأس آنها امیرالمؤمنین علیه السلام که خود با احادیث مجعول مبارزه می کرد، نسبت داده شده، جعل گردید!

۲- احادیث دروغی به افرادی به عنوان اصحاب پیامبر اسلام نسبت داده شد که اصولاً وجود خارجی نداشتند!

باری اکنون جای شرح این ماجرای تلخ نیست، به هر حال تلخ تر از این، آن که بسیاری از فقهای جهان اسلام بر اساس این احادیث مجعول فتوا صادر کردند، و مردم مسلمان از آنان تقلید نمودند!

شافعی و مالک و احمد بن حنبل فتوا دادند:

«يجب الصبر عند جور الحاكم»

شکیبایی بر ظلم حاکم واجب است!

حنبللی فتوا داد:

«لا يجوز الخروج على الامراء بالسيف وان جاروا»

قیام مسلحانه علیه فرما و یاران جایز نیست هر چند ظلم کنند؛ در شرح مؤلفاً آمده است که رأی مالک و جمهور اهل سنت این است که:

«وإذا ظلم الإمام فالقاعة أولى من الخروج»

وقتی که امام ظلم کند، اطاعت کردن از او بهتر از قیام علیه او است!

و بالأخره حافظ محی الدین نووی شافعی (م. ۶۷۶) عالم و محدث معروف اهل سنت در کتاب «شرح صحیح مسلم» می نویسد:

«همه اهل سنت از فقها و محدثین و متکلمین، بر این عقیده اند که خلیفه و حاکم به خاطر فسق و ظلم و تعطیل حقوق، از زمامداری و خلافت برکنار نمی شود فقط باید او را بند داد و ترساند»

یکی از طرفداران پروپا قرص این نظریه خطرناک که رمز اصلی انحطاط و عقب ماندگی جهان اسلام است، حسن بصری است.

او در دوران حکومت امام علی علیه السلام جوانی نورس بود. پس

از پایان جنگ جمل و فتح بصره، هنگامی که امام در میان استقبال پرشور مردم و موج جمعیت وارد بصره شد، از دور چشمش به جوانی افتاد که قلم و لوحی در دست دارد و سخنان امام را یادداشت می کند. امام با صدای بلند خطاب به او فرمود: چه می کنی؟ حسن بصری پاسخ داد: آثار شما را یادداشت می کنیم تا پس از شما برای مردم بازگو نمایم.

امام که با بصیرت الهی او را خوب می شناخت و آینده او را می دانست، خطاب به حاضرین، این جمله تاریخی را فرمود:

«أنا إن لکن قوم سامریة وهذا سامری هذه الامة إلا أنه لا یقول لامساس ولكنه یقول: لا فتال!»^{۱۵}.

مردم آگاه باشید که هر ملتی یک سامری دارد. که با تزویر مردم را از مسیر حق منحرف می کند. و این - حسن بصری - سامری این امت است، تنها تفاوتش با سامری - معاصر موسی علیه السلام - این است که او می گفت: «لامساس»^{۱۶} کسی با من تماس نگیرد. و این می گوید «لافتال» یعنی مبارزه با حکومت بنی امیه جایز نیست.

پیش گویی امام محقق شد، و این محدث معروف فتوا داد:

«نحب طاعة ملوک بنی امیة وان جاروا وان ظلموا والله لما یصلح بهم أكثر ما یفسدون».

اطاعت از شاهان بنی امیه واجب است هر چند جور کنند، هر چند ظلم نمایند، زیرا اصلاحاتی که خداوند به وسیله آنها انجام می دهد بیش از فسادهای آنها است!

این فتوا بزرگترین خدمت به حکومت زمامداران فاسد و جائز بنی امیه بود:

شیخ علی محفوظ می گوید: اگر زبان حسن بصری و شمشیر حجاج نبود، دولت مروانی همان در گهواره به گور می شد، مگر نمی بینید که حسن نشسته و در جلوی او غده یشمازی صف بسته اند و او با آن مهارتی که در سخن گفتن دارد، بیرون آمده و در ضمن آن که برای مردم حدیث می کند این چنین می گوید:

رسول خدا فرمود: زمامداران را دشنام مدهید برای این که اگر ایشان نیکی کنند برایشان اجر است و بر شما شکر، و اگر بدی کنند برایشان گناه است و بر شما صبر، و یقیناً ایشان عذاب خدا هستند که به وسیله ایشان از هر کس بخواهد انتقام می کشد پس با عزت و خشم عذاب خدا را استقبال مکنید و با شکستگی و تضرع آن را استقبال نمایند^{۱۷}.

این بود شرح توطئه خطرناکی که عترت را از قرآن، سیاست را از

دین و امامت که اساس و ریشه اسلام بالنده است را از اسلام جدا کرد. و با قطع این ریشه، شجره طیبه توحید خشکید و از رشد و حرکت باز ایستاد و چوب خشک و بی ثمرش، همیشه ای شد برای زمامداران جائز و فاسد بنی امیه و بنی عباس و همه متمگرانی که به نام اسلام بر جامعه مسلمین حکومت کرده و می کنند! و قرآن مهجوری روح، وسیله ای شد برای اقامه ظلم و جور و فساد!

کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت های جائز و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه متمگران و معاندان حق تعالی شد و مع الأسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آن که باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و با به کفی از صحنه خارج شد که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن و سنت مشحون آن است سخن می گفت، گویی بزرگترین معصبت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی دین شده بود و اکنون نیز هست^{۱۸}.

ادامه دارد

۱- صحیح مسلم- جلد ۳ صفحه ۱۴۸۱/ مسند ابن حنبل- ج ۶ ص ۲۴.

۲- مسند ابن حنبل- ج ۱ ص ۴۲۸/ شبیه این روایت در تحف العقول به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نسبت داده شده است! متن روایت این است: «اذا کان الامام عادلاً کان له الآخر و علیک الشکر و اذا کان جائراً کان علیه الوزر و علیک الصبر» (تحف العقول ص ۳۰۳).

۳- نگاه کنید به مسند ابن حنبل- ج ۶ ص ۲۷۵، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۲۱، ۳۸۱، ۳۸۷/ صحیح بخاری- ج ۵ ص ۱۱۳-۲۸۱/ سنن الدرهم- ج ۲ ص ۴۱/ سنن ابی داود- ج ۴ ص ۲۴۲ و ...

۴- کنز العمال- ج ۱ ص ۲۰۸ حدیث ۱۰۴۴.

۵- کنز العمال- ج ۱ ص ۲۰۹ حدیث ۱۰۴۶.

۶- نامخ حدیثی است که حدیث دیگر را که منسوخ نامیده می شود، برمی دارد، خاص حدیثی است که حکم عام و همگانی حدیث دیگر را تخصیص می دهد، محکم حدیثی است که مفاد آن روشن و معلوم است و مشابه حدیثی است که مفاد آن مبهم است، محفوظ حدیثی است که راوی آن را درست حفظ کرده و موهوم آن است که راوی آن را اشتباه حفظ کرده است.

۷- قرآن کریم در آیات بسیاری ویژگیهای افراد منافقی که تظاهر به اسلام می کردند را بیان کرده و نسبت به خطری که از این ناحیه اسلام را تهدید می کند هشدار داده است، از جمله: «ومن حولکم من الاعراب منافقون ومن اهل المدینة مردوا علی التناق

بقیه در صفحه ۵۰

بقیه از نشانه‌های پیامبر «ص»

بدیها را با دل و جان قبول می‌کند. اسلام تمام طبیبات را حلال و روا دانسته است و برخی از طبیبات را که خداوند بر یهود حرام کرده بود، پیامبر اسلام حلال کرده است «وَمَصَدَقًا لِمَا بَدَىٰ مِنَ التَّوْرَةِ وَآلِ حُلِّ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيكُمْ» (سوره آل عمران- آیه ۵۰). من تصدیق می‌کنم آنچه از تورات در دست من است و آمده‌ام که بعضی از آنچه بر شما -یهودیان- حرام شده بود را حلال نمایم.

البته تحلیل طبیبات و تحریم خیانت، منطبق با فطرت بشری است

که جمیع ادیان گذشته بر آن اجماع داشته‌اند «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (سوره اعراف- آیه ۳۲). بگو- ای پیامبر- چه کسی زینت الهی را که برای بندگانش قرار داده و روزیهای نیکو را حرام کرده است؟ ولی بهرحال، در اثر بعضی از گناهان یا در اثر بدعت‌هایی که برخی از کاهنان داشته‌اند، طبیباتی بر یهودیان حرام شده بود، که پیامبر همه آنها را باز گرداند و منع از آنها را برداشت.

پنجمین نشانی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، این است که در برخی از احکام گذشته، فشارهایی بر مردم وارد می‌شد و مقداری سخت و دشوار بود، البته قطعاً مالا یطاق نبود، اما سختی‌هایی داشت که پیامبر گرامی اسلام آن‌ها را صبرها و سنگینی‌ها را برداشت و احکامی بسیار ساده و روان آورد که برای هیچکس سختی در عمل به آنها نباشد، و همه آنها طریق موازین عقلی و فطری، با جان و روان و جسم انسان سازگار است. و بدینسان شریعتی کاملتر و سازگارتر از اسلام نیست و تنها پیروی از اسلام است که سعادت دنیا و آخرت را به ارمغان می‌آورد و انسان را رستگار می‌سازد.

بقیه از چگونه دین از سیاست جدا شد؟

لا تعلمهم، نحن نعلمهم منذ بهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم ۱۰۱/۹. : از یادیه نشینانی که گرد شما هستند متناقض می‌باشند و از اهل مدینه گروهی خو گرفته‌اند به نفاق و دورویی، توبه اصرار آنها آگاه نیستی ما از رازشان آگاهیم و به زودی دو نوبت در دنیا و قبر آنها را عذاب می‌کنیم و پس از آن در قیامت به عذاب بزرگ گرفتار خواهند شد.

۸- نهج البلاغه فیض- خطبه ۲۰۱.

۹- مانند دو حدیثی که در همین مقاله از عبدالله بن مسعود و ابوذر روایت شده.

۱۰- تاکنون یکصد و پنجاه نفر از این قماش اصحاب مجعول کشف شده است، نگاه کنید به کتاب «خمسون و مائة صحابی مختلق» تألیف مرتضی العسکری، ۱۱ و ۱۲ و ۱۳- حکومت در اسلام، ص ۱۹ به نقل از کتاب المذاهب الاسلامیه نوشته شیخ محمد ابوزهره ص ۱۵۵.

۱۴- الغدیر- ج ۷ ص ۱۳۹ برای آشنایی بیشتر با این آراء به صفحه ۱۳۶ به بعد همین کتاب مراجعه فرمائید.

۱۵- سفینه البحار- ج ۱ ص ۲۶۲.

۱۶- سامری مردی بود که پیروان حضرت موسی علیه السلام را به گوساله پرستی دعوت کرد و سبب گمراهی آنها شد، روایت شده که پس از این اقدام، مبتلا به نوعی بیماری روانی شد که از مردم وحشت می‌کرد، هرکس به او نزدیک می‌شد فلز می‌گرفت و فریاد می‌زد- لامساس- با من تماس نگیر!

۱۷- حکومت در اسلام- ص ۲۰ به نقل از محمد نزالی در کتاب «مع الله» ص ۱۷۱.

۱۸- وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی رضوان الله تعالی علیه.

فرم تقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک مجله پاسداران اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت قم- شعبه آموزش و پرورش حواله و فیش بانکی را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر مجله پاسداران اسلام (قم- صندوق پستی ۷۷۷) ارسال فرمائید.

تذکره:

- ۱- بهای اشتراک یک سال ۲۴۰۰ ریال، دو سال ۴۸۰۰ ریال است.
- ۲- وجه اشتراک را می‌توانید از طریق تمام بانکهای کشور (بویزه بانک ملت) به حساب جاری فوق حواله نمائید.
- ۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته‌اید وجه اشتراک را توسط اداره پست به صورت پیسه پستی ارسال فرمائید.
- ۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را بشرح زیر در نامه‌ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید.
- ۵- در صورت واریز وجه به بانک، حتماً فیش بانکی ارسال شود.

اینجانب: نام خانوادگی
شهرستان: آدرس

مایل به مدت: سال از شماره
مشترک سوم لذا مبلغ: ریال توسط بانک

حساب جاری فوق حواله و فیش بانکی را به پست ارسال می‌دارم.

«لطفاً در موقع تمدید و تغییر آدرس شماره اشتراک را قید فرمائید»

عبرت

امیرالمؤمنین علیه السلام:

«مَنْ لَمْ يَغْتَبِرْ بِغَيْرِهِ لَمْ يَسْتَظْهِرْ لِنَفْسِهِ».

(غرر الحکم- صفحه ۶۴۶)

کسی که از تاریخ دیگران پند نگیرد و تجربه نیاموزد در برنامه زندگی خود پشتیبانی نگرفته است.